

Examining the Priority of Comprehensive Thematic Interpretation; A Case Study on the Word “Hamd”

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Saeed Ghazipour¹
Mohammad Reza Shirazi^{2*}
Seyedeh Fatemeh Hosseini Mirsafi³

How to cite this article

Ghazipour Saeed, Shirzai, Mohammad Reza, Hosseini Mirsafi, Seyedeh Fatemeh, Examining the Priority of Comprehensive Thematic Interpretation; A Case Study on the Word “Hamd”, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(5): 199-209.

1. PhD Student in Quran and Hadith Sciences, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

* Correspondence:
Email: shirazi.mr@gmail.com

ABSTRACT

The word Hamad is one of the key words in the field of devotional concepts in the Holy Quran. This word has been interpreted as praise and praise in Arabic dictionaries and interpretations of the Quran in terms of its explicit meaning. Since the Qur'an is a multi-dimensional and multi-layered book, and every concept in it can be examined and used from multiple angles and dimensions, it is therefore necessary to have a comprehensive look at the concepts of this infinite divine sea. Concepts that are effective and decisive in all aspects and dimensions of a person's worldly and hereafter life and clear and smooth the way ahead. Until now, each of the scholars of the Qur'an has interpreted the Qur'an from a different angle; Despite honoring their efforts and efforts, each one of them has neglected aspects of the sublime and practical concepts of the verses, and this means losing a huge part of deep and subtle knowledge that can arrest people. Our goal in this article is to show that the best interpretation method for Quranic words and verses is comprehensive interpretation. A comprehensive interpretation that can deal with the verses from all aspects; And we have tried to prove this by researching the word praise in the interpretation of the verse "Alhamdulillah Rab Al-Alamin" from the point of view of 18 Shia and Sunni commentary books. Various books of Arabic and Persian interpretation (Shia and Sunni), each of which has performed interpretation with a specific tendency and method, have been examined and nearly 150 points and narrations have been extracted about this verse; And after comparing each type of interpretation separately with a comprehensive view, the result provides the best method for interpreting the Qur'an, which is indeed a comprehensive interpretation.

Keywords: Hamd, comprehensive interpretation

بررسی ارجحیت تفسیر جامع موضوعی؛ مطالعه

موردی در واژه "حمد"

سعید قاضی پور^۱

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

محمدرضا شیرازی^{۲*}

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

سیده فاطمه حسینی میرصفی^۳

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

واژه حمد یکی از واژگان کلیدی در حوزه مفاهیم عبادی در قرآن کریم است. این واژه در فرهنگ لغات عربی و تفاسیر قرآن به لحاظ معنای صریح، به ثناء و ستایش تفسیر شده است. از آنجا که قرآن کتابی چند بعدی و چند لایه است، و هر مفهومی در آن از زوایا و ابعاد متعدد قابل بررسی و استفاده است، لذا ضروری است که نگاهی همه جانبه به مفاهیم این دریای بی کران الهی داشته باشیم. مفاهیمی که در تمام جوانب و ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آدمی مؤثر و تعیین کننده است و مسیر پیش رو را روشن و هموار می کند. در این میان مفاهیم کلیدی قرآنی که در عبادات به کار می روند، از آن جهت که درک عاطفی و تأثیر روانی در آنها مهم تر است، در اولویت چنین فهم و درک عمیقی قرار دارند؛ واژه حمد به عنوان یکی از کلیدی ترین واژگان عبادی قرآن، از آن جمله است که این نوشته بدان می پردازد.

کلمه حمد ۳۸ بار در قرآن مجید به کار رفته است. از مشتقات این کلمه حامدون (۱ بار)، محمود (۱ بار)، یُحمَدوا (۱ بار)، حمید (۱۷ بار) و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) (۴ بار) در قرآن کریم مشاهده می شود. برای تسهیل کار، در این مقاله فقط آیه ای از کلمه حمد را در قرآن بررسی می کنیم که کاربرد فراوانی دارد؛ عبارت مقدس «الحمد لله رب العالمین»، دومین آیه سوره حمد یا فاتحه است و همه ما در زندگی روزمره بارها در نماز و غیر آن، این کلمه یا خلاصه آن، «الحمد لله» را (حتی در احوالپرسی) به کار می بریم. با نظر به اینکه کاربرد کلمه «حمد» در قرآن به نحوی است که هم می تواند حمل به معنای ستایش شود و هم سپاس (۱).

در مسیر تدوین این مقاله، کتب مختلف تفسیر عربی و فارسی (شیعه و سنی) که هر کدام با گرایش و شیوه خاصی تفسیر را انجام داده اند بررسی و نزدیک به ۱۵۰ نکته و روایت در مورد این آیه استخراج شده است؛ و نتیجه حاصله، بهترین روش برای تفسیر قرآن که همانا تفسیر جامع است را ارائه می دهد.

تفسیر چیست؟

تفسیر، توضیح و شرح ارادهی خدا از آیه است.

مفسر واکاوی می کند که ببیند خدا منظورش چیست و چه می خواسته بگوید. تفسیر، بیان و طرح ارادهی الهی است. برداشت های شخصی از قرآن، اسمش تفسیر نیست. تفسیر یعنی توانسته ایم بفهمیم خدا منظورش چیست و چه گفته است؛ ما می توانیم برداشت هایمان از قرآن را در کتابی به اسم خودمان جمع

واژگان کلیدی: حمد، تفسیر جامع.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

*نویسنده مسئول: shirazi.mr@gmail.com

الأطلاق می‌باشد لذا میزان دریافت از قرآن به میزان تسلط و شناخت از علوم مختلف بوده و برای جامع شدن یک تفسیر می‌بایست بر تسلط مفسر بر علوم و منابع شناخت تأکید کرد.

احاطه و نگاه عالمانه محدثانه و کشف و شهود صحیح و سالم عارفانه در کنار علوم روز چون جامعه‌شناسی، ریاضیات، نجوم و امثالهم موجب افزایش قابلیت فهم و درک و دریافت بهتر و بیشتر مفسر از متون قرآن مجید خواهد شد.

انواع اتجاه و مناهج تفسیری

در یک تقسیم بندی کلی براساس منهج (روش)، تفاسیر در شش دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود:

- تفسیر قرآن مبتنی بر قرآن؛ تفسیر قرآن به قرآن.

- روش روایی؛ تفسیر روایت گر، تفسیرمبتنی بر روایات؛ در این روش از روایات و احادیث استفاده می‌شود.

- تفسیر قرآن مبتنی بر عقل و اجتهاد؛ روش تفسیر عقلانی است.

- تفسیر قرآن مبتنی بر کشف و شهود؛ فرد توانمندی‌های درونی اش را بالا برده و ادراکاتش را نسبت به آیات قرآن زیاد می‌کند.

- تفسیر قرآن مبتنی بر علوم (تفسیر علمی، علوم تجربی).

- دسته‌ی ششم از تفاسیر که کمتر به آن توجه شده، تفسیر جامع قرآن مبتنی بر تمام موارد پنج گانه فوق الذکر می‌باشد. این منهج تفسیری در طول اعصار و قرون مختلف مغفول مانده است.

در حقیقت در تفسیر قرآن دو وجه داریم؛ یک وجه درک مفسر و علاقه مندی وی برای مکاشفه، یک وجه جوشش قرآن.

تقسیم بندی دیگر تفسیر بر اساس گرایش و رویکرد است که براساس دغدغه و علم و تخصص مفسر تفسیر صورت می‌گیرد.

از حیث اتجاه و گرایش و رویکرد یعنی گرایش تفسیری بر اساس دغدغه‌ی مفسر، تفاسیر به انواع مختلف تقسیم می‌شوند؛ از جمله، تفسیر عرفانی، روایی، علمی، اجتماعی (شبه معاصرین) فقهی، لغوی، فلسفی، بلاغی، تربیتی اخلاقی، تفسیر جهادی و امثالهم... مثلاً دغدغه‌ی مفسر مسائل اجتماعی، تربیتی، اخلاقی است، تفسیر اجتماعی ارائه می‌دهد. مثلاً گفته اند تفسیر "پرتوی از قرآن" مرحوم طالقانی، تفسیر اجتماعی از جزء ۳۰ است. یعنی مسائل روز و جامعه.

اگر نگرانی مفسر، اخلاق در قرآن است تفسیر اخلاقی می‌نویسد و تفسیر آیات با برداشت‌های عرفانی و اخلاقی را برای ساخته شدن انسان ارائه می‌دهد. اگر دغدغه مفسر، خودسازی‌های فردی و عرفانی باشد، تفسیر عرفانی، صوفی و اشاری است.

جدای از اتجاه و گرایش‌هایی که دغدغه‌های مفسر خواهد بود، روش‌ها و منهج‌هایی در تفسیر قرآن است.

مناهج شامل «وحي»، که قرآن و حدیث است؛ «عقل»، تعبیری علمی و متکی بر علوم است که برخاسته از عقل انسان می‌باشد؛ و «کشف و شهود» است.

بعضی مفسران می‌گویند آیات قرآن یا محکم است و یا متشابه که تأویل دارد و کسی حق ندارد چیز دیگری از خودش به قرآن اضافه کند و مفسری که تفسیر تأویلی نوشته است و دغدغه و سیاق وی

آوری کنیم؛ دیدگاه‌های من در مورد انسانیت، دیدگاه‌های من در مورد اسلام و... اما این روش نام دیگری دارد و حق نداریم نام تفسیر بر آن بگذاریم! تفسیر قرآن یعنی اینکه خدا چه می‌گوید و چه می‌خواهد به ما برساند (۲).

ضرورت نگاه جامع به تفسیر

اگر بنا باشد آنچه پیشینیان از قرآن در اختیار ما قرار داده‌اند را دست مایه‌ی تفسیر و نگاهمان به قرآن قرار دهیم، مستلزم آن است که لااقل سرآمد تفاسیر با گرایش‌های مختلف را مراجعه و مطالعه کنیم. و البته کفایت نمی‌کند که تفاسیر موجود در دسترس معاصر را فقط مطالعه کنیم بلکه ضروری است که در کنار جامع نگری، در نگاه به پیشینه‌ی بحث، به انواع تفاسیری که تا کنون از قرآن ارائه شده است رجوع شود.

جامعیت اینچنین نگاهی ایجاب می‌کند که مثلاً لااقل تفسیر سید قطب و ابن عربی و رشید الدین میبدی و خواجه عبدالله انصاری را در کنار تفسیر المیزان و سایر تفاسیر موجود و رایج بررسی کنیم. امید اینکه آیندگان تفسیری ارائه بدهند که در شأن قرآن باشد. البته هر آنچه بگویم قطره‌ای است در برابر دریا. یعنی شأن قرآن ایجاب می‌کند تفسیر جامع ارائه بشود. اصلاً بحث تفسیر غیر جامع در قرآن به نظر ما اشتباه است. راه را بیراهه رفتند همه‌ی کسانی که این کار را کرده اند، ظلم ناخواسته به قرآن کرده اند.

در تفاسیر قرآن به قرآن، المیزان؛ تفاسیر روائی شیعی، برهان؛ تفاسیر صدر اول اسلام، تفسیر علی ابن ابراهیم قمی؛ تفاسیر روایی سنی، الدر المنثور؛ تفاسیر علمی، فی ظلال القرآن سید قطب؛ تفاسیر عرفانی، که بر دو نوع است یکی تأویل آیات که ملاصدرا بحث کرده، و دیگری تفاسیر عرفانی که نگاه‌های کشف و شهودی دارد مانند محی الدین ابن عربی. علم الاعداد و تأویل حروف نوشته ملاصدرا و میرداماد (میرفندرسکی هم در این موضوع کار کرده است). اینها نگاه تفسیر به قرآن نیست بلکه فقط چهارچوب و جهت را به انسان می‌دهد؛ اینکه انسان مسیر فکری تفاسیر را بفهمد. هیچ یک از آنچه که به عنوان تفسیر قرآن تا کنون نوشته شده است، شأن تفسیر قرآن را ندارد. باید از همه‌ی آنها عبور کرد و تفسیری را ارائه داد که در تمام مباحث قرآن جهات مختلف را با هم ببیند. آنگاه متوجه خواهیم شد که اختلاف آنچه که تا کنون بوده و آنچه ما به آن خواهیم پرداخت تا چه حد است.

مشخص است که هیچ کدام از این تفاسیر کفایت نمی‌کند و به جد می‌توان گفت که تا کنون تفسیر جامعی از قرآن ارائه نشده است. این موضوع یا از جهت عدم احاطه و اشراف مفسرین در قرون و علوم مختلف آن عصر و زمان، محقق واقع نشده تا از آن طریق بتوانند ورود ژرف و همه جانبه به آیات داشته باشند یا آنکه زمانه اجازه‌ی غور و تفکر عمیق با آرامش و دید جامع نگرانه را به محققین علوم دینی نداده است؛ حال آنکه آیات قرآن از جامعیت اعجاب انگیزی برخوردار است که همسنگ آن لاجرم قرآن ناطق و انسان معصوم است و از آن جا که فیض حضرت احدیت علی الدوام و علی

عرفانی باشد مثل رشیدالدین میبیدی و مفسری که تفسیر صوفیانه نوشته است مثل محی الدین ابن عربی و دیگران تفسیر به رأی می کنند.

البته اینکه مفسری فقط از کشف و شهود برای تفسیر استفاده کند، دیگری فقط تأویل بکند قرآن را و تفسیر کند، دیگری فقط قرآن به قرآن تفسیر کند و دیگری فقط خودش را در محدوده‌ی روایت محصور کند درست نیست چون جامعیت قرآن ایجاب می‌کند که در هر آیه‌ای، همه‌ی این تفاسیر با هم است و همه‌ی این روش‌ها در مورد هر یک از آیات و برای کل قرآن می‌باشد لذا تفسیری کامل است که مشتمل بر همه‌ی روش‌های تفسیر آیات باشد.

ممکن است کشش عقلانی ما در آیه‌ای محدود باشد، ممکن است ذیل آیه‌ای روایتی نداشته باشیم، ممکن است توضیح آیه‌ای جای دیگری نباشد؛ آیه متشابه است، متناظرش هم نیست. حدیث هم ذیلش نیست، عقلت هم کمکت نکند و یا مثلاً آیه‌ای همه اینها را دارد، روایت دارد حدیث متناظر دارد آیه ظاهراً محکم است عقل هم از آن یک برداشتی می‌کند آدم در نگاه عرفانی می‌تواند استنباطاتی هم داشته باشد، اگر جامع تفسیر بکنید نباید نتایج متناقضی به دست بیاورید.

نکاتی پیرامون تفسیر جامع

تفسیر قرآن اگر غیر از جامع باشد درست نیست، ناقص است. و قرآن چون کتاب ناقصی نیست نباید با روش ناقص تفسیر شود. امام (ره) فرموده‌اند: "هر تفسیری که نوشته شود باز در برابر آن تفسیری که بعداً ممکن است نوشته شود کم است اصلاً قرآن اعجاب و اعجازش این است که هر چه بیشتر غور می‌کنید و بیشتری نویسد بیشتر مطلب دارد." (تفسیر سوره حمد، ص ۴ - ۳) یعنی شرط تفسیر، جامعیت است. تفسیری که همه روش‌های تفسیری را با هم نگاه کند تفسیر جامع است. تفسیر هر آیه با همه‌ی ابزارهایی که در دسترس انسان است:

اولین روش شناخت، وحی است؛ وحی فقط واسطه‌ی پیامبران است ولی تنها برای پیامبران نبوده؛ وحی آمده که در اختیار انسان‌ها قرار گیرد. پس ما می‌توانیم از وحی بهره‌مند می‌شویم و بر آن مبنای موضوعات نگاه می‌کنیم.

دومین روش، استفاده از احادیث می‌باشد؛ حدیث و روایات ذیل آیه در اختیار ما قرار گرفته است پس فقط برای معصوم جهت نگاه به موضوعات نیست، بلکه برای همه انسان‌ها هست.

سومین روش شناخت و یا ابزار، عقل در اختیار همه‌ی انسان‌ها است. چهارمین ملاک شناخت، کشف و شهود است که مربوط به همه‌ی انسان‌های عاقل و بیدار دل است.

این چهار ابزار اصلی برای نگاه به هر شیئی و برای تحلیل موضوعات در اختیار همه است؛ هر انسانی از همه‌ی اینها باید بهره‌مند باشد. آیه شریفه‌ی قرآن باید با همه این ابزارها نگاه شود و قاعدتاً نباید نتیجه متناقض هم داشته باشد (۲).

تفسیر جامع نباید با هیچ یک از دیدگاه‌ها و مناهج مختلف متناقض بوده و باید عالمانه باشد، به این خاطر بهتر است که از علمایی که در هر علمی زحمت کشیده‌اند استفاده بشود. چون آنها در مسیر خودشان عالم شده‌اند، زحمت کشیده‌اند و نوشته‌اند؛ فلذا نیازی نیست در این مرحله عارف، عالم یا ریاضیدان باشیم. هر یک از علما از نگاه علمی خودش آن زاویه‌ی قرآنی را ارتقاء می‌دهد.

نکات واژه حمد از زوایای مختلف کتب تفسیری

همانطور که پیشتر گفتیم، هر کدام از مفسرین در کتب تفسیری خود، از زاویه‌ای به آیات قرآن نگریسته و پرداخته‌اند، و چه بسا گاهی در بعضی آیات، تکرار تفاسیر پیشین یا حتی ناقص آنها بوده‌اند؛ حال آنکه ما به تفسیری نیاز داریم که با نگاهی همه‌جانبه، آیات را تفسیر کرده و ما را با اقیانوس بیکران قرآن همراه کند و مباحث تفسیری را در کنار یکدیگر و با رویکردی جامع‌نگرانه مطرح نماید.

درباره واژه حمد، ۱۸ کتب تفسیری مورد پژوهش این مقاله، بررسی شده و نکاتی را که در این باره مطرح کرده‌اند، استخراج شده است. البته بعضی از کتب هیچ تفسیر و نکته‌ای از واژه حمد نداشتند! مطالعه و بررسی مجموع نکات همه تفاسیر درباره واژه «حمد» در کنار یکدیگر، نگرش نسبتاً جامعی نسبت به تفسیر این واژه به ما خواهد داد.

در جدول زیر مشخصات هر کدام از تفاسیر و نیز تعداد نکات بیان شده درباره واژه «حمد» در هر یک، قید شده است. کتب بر اساس زمانی، از قدیمی‌ترین آنها تنظیم شده‌اند. در ستون آخر مشخص شده که نکات تکراری از کدام تفسیر پیشین آمده است.

جدول ۱: فهرست کتب دارای تفسیر واژه حمد

ردیف	کتاب	پدیدآور	موضوع	روش تفسیری	جهت تفسیری	شیوه تفسیری	زبان	قرن	مذهب	متن	تعداد نکات	تعداد نکات تکراری	تفسیر تکرار شده
۱	تفسیر تستری	تستری، سهل بن عبدالله	عرفانی	عرفانی	عرفانی	ترتیبی	عربی	۳	سنی	نور	۳ نکته	۰	-
۲	جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)	طبری، محمد بن جریر	روای سنی - اجتهادی	چند روش	چند جهت	ترتیبی	عربی	۴	سنی	نور	۲۱ نکته	۲ نکته تکراری	تستری
۳	ترجمه تفسیر مجمع البیان	طبرسی، فضل بن حسن	ادبی - کلامی - شیعی - اجتهادی	چند روش	چند جهت	ترتیبی	فارسی	۶	شیعه	نور	۳ نکته	۳ نکته تکراری	جامع البیان
۴	روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن	ابوالفتح رازی، حسین بن علی	کلامی شیعی - اجتهادی - هدایبی و تربیتی - متون کهن	چند روش	چند جهت	ترتیبی	فارسی	۶	شیعه	نور	۲۳ نکته	۳ نکته تکراری	جامع البیان
۵	کشف السرار و عدالة البرار	میبدی، احمد بن محمد	عرفانی - متون کهن	روایی سنی	چند روش	ترتیبی	فارسی	۶	سنی	نور	۰ نکته	۰	-
۶	ترجمه تفسیر جوامع الجامع	طبرسی، فضل بن حسن	کلامی شیعی - ادبی بلاغی	چند روش	چند جهت	ترتیبی	فارسی	۶	شیعه	نور	۰ نکته	۰	-
۷	منهج الصادقین فی الزام المخالفین	کاشانی، فتح الله بن شکرالله	کلامی شیعی - اجتهادی - هدایبی و تربیتی - متون کهن	چند روش	چند جهت	ترتیبی	فارسی	۱۰	شیعه	نور	۷ نکته	۳ نکته تکراری	جامع البیان - روض الجنان
۸	جواهر التفسیر	کاشفی، حسین بن علی	اجتماعی - هدایبی و تربیتی	روایی سنی	تربیتی	ترتیبی	فارسی	۱۰	سنی	نور	۲۱ نکته	۴ نکته تکراری	جامع البیان - روض الجنان
۹	ترجمه الاتقان فی علوم القرآن	سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر	علوم قرآنی	روایی سنی	بلاغی	ترتیبی	فارسی	۱۰	سنی	نور	۲ نکته	۱ نکته تکراری	جامع البیان
۱۰	تفسیر نورالتقلین	حویزی، عبدعلی بن جمعه	روای شیعی	روایی شیعی	بیانی	ترتیبی	عربی	۱۲	شیعه	نور	۱۱ نکته	۳ نکته تکراری	تستری - روض الجنان - منهج الصادقین
۱۱	تفسیر جامع	بروجردی، محمدابراهیم	روای شیعی - هدایبی و تربیتی	روایی شیعی	تربیتی	ترتیبی	فارسی	۱۴	شیعه	نور	۰ نکته	۰	-
۱۲	ترجمه مناهل العرفان فی علوم القرآن	زرقانی، محمد عبدالعظیم	علوم قرآنی	روایی سنی	اجتماعی	ترتیبی	فارسی	۱۴	سنی	نور	۴ نکته	بدون تکرار	-
۱۳	ترجمه تفسیر میزان	طباطبایی، محمدحسین	کلامی شیعی - قرآنی - اجتماعی - ادبی بلاغی - فلسفی	چند روش	چند جهت	ترتیبی	فارسی	۱۵	شیعه	نور	۹ نکته	۵ نکته تکراری	تستری - جامع البیان - روض الجنان - مناهل العرفان
۱۴	تفسیر نمونه	مکارم شیرازی، ناصر	اجتهادی - اجتماعی - کلامی شیعی	چند روش	چند جهت	ترتیبی	فارسی	۱۵	شیعه	نور	۸ نکته	۲ نکته تکراری	جامع البیان - روض الجنان

۱۵	تفسیر نور	قرائتی، محسن	اجتماعی	روایی	اجتماعی	ترتیبی	فارسی	۱۵	شیعه	نور	۱۶	۱۰ نکته	تستری - جامع
				شیعی								تکراری	الیمان - روض الجنان - نمونه
۱۶	تفسیر راهنما، روشی نو	هاشمی	جامع	روایی	اجتماعی	موضوعی	فارسی	۱۵	شیعه	نور	۶ نکته	۶ نکته	جامع الیمان -
	درازه	مفاهیم		شیعی								تکرار	روض الجنان -
	موضوعات قرآن	رفسنجانی، اکبر											منهج الصادقین - نمونه
۱۷	تفسیر مخزن العرفان	امین، نصرت بیگم	عرفانی - فلسفی	چند روش	چند جهت	ترتیبی	فارسی	۱۵	شیعه	نور	۱۰	۵ نکته	جامع الیمان -
	در علوم قرآن	- اجتماعی										تکراری	روض الجنان -
													المیزان
۱۸	نور ملکوت قرآن	حسینی طهرانی، محمدحسین	قرآن شناسی	روایی	بیانی	ترتیبی	فارسی	۱۵	شیعه	نور	۰ نکته	۰	-

الف: تفسیر تستری

۱۶. الف و لام در کلمه حمد: ستایش فقط برای رب العالمین است.
۱۷. با حذف الف لام: بازده آن گفتار، گوینده آن حمد نمی‌باشد.
۱۸. الف و لام: در کلمه حمد خبر از آن می‌دهد که معنای آن تمامی ستایش‌ها و شکر بی کم و کاست برای خداست.
۱۹. معنی الحمد لله: سپاس می‌کنم آنطور که سزاوار اوست که بزرگ است ستایش او.
۲۰. معنی الحمد لله: خداوند را ستایش می‌کنم چون ستودنی است.
۲۱. اگر الحمد لله را آنچنان با علامت نصب بخوانند قطعاً معنای آن برای من امری محال و مستوجب سرزنش است (خود مفسر).

- ۱- الحمد لله یعنی سپاس و تشکر از خدا.
- ۲- تشکر از خدا در واقع فرمانبرداری از خداست.
- ۳- فرمانبرداری از خدا ولایت و سرپرستی از طرف خداست.

ب: تفسیر جامع البیان

۱. الحمد لله بدون کم و کاست خاص خداوند جل جلاله است بدون آنهایی که غیر از او پرستش می‌شوند و سواي آنچه مخلوقات از آن بیزار می‌جویند.
۲. سپاس خداوند به خاطر آن همه نعمت.
۳. سپاس خدایی را از اول تا آخر.
۴. ابن عباس گفته است جبرئیل به محمد(ص) گفت که: محمد بگو الحمد لله

پ: تفسیر مجمع البیان

- ۱- الْحَمْدُ لِلَّهِ - یعنی همه صفات عالی و ستایش‌ها و سپاسها برای آن خدایی است که سزاوار پرستش است چون او دهنده همه نعمت‌ها و توانای بر آنها است، او آفریدگار و پروردگار جهانیان است،
- ۲- وجوب شکر نعمت دهنده
- ۳- راه و طرز آن و پس از آنکه به این یگانه نعمت دهنده خود اعتراف نمود او را شکر میکند و «الْحَمْدُ لِلَّهِ» میگوید.

ت: تفسیر روض الجنان

- ۱- حمد ثنایی است که خدای - جلّ جلاله- بر ذات خود می‌گوید، تعلیم و توقیف ما را
- ۲- صورت خبر است و مراد امر است
- ۳- عبدالله عباس گفت: معنی آن است که، شکر خدای را به نعمتهایی که با ما کرد.
- ۴- عبدالله عباس گفت و «حمد» تقیض «ذم» است.
- ۵- ابن الانباری گفت: «حمد» مقلوب «مدح» است، از آن مقلوب است که معنی یکی دارد.
- ۶- علما در حمد و شکر بر دو قولند: بعضی فرق نکردند میان حمد و شکر، و گفتند: به یک معنی باشد.

۵. ابن عباس: الحمد لله همان شکر است.
۶. فروتنی نمودن برای خدا و اقرار به نعمت‌های او و هدایت او و اقتدا کردن به اوست است.
۷. پیامبر (ص): شکر و سپاس در واقع ستایش خداوند است به خاطر نعمت‌ها و نیکویی‌ها.
۸. کعب بن الاحبار: الحمد لله ستایش و صنایع الهی است.
۹. ستایش خدا برای سلامتی.
۱۰. پیامبر (ص): اگر گفتم الحمد لله رب العالمین پس در واقع خدای را سپاس گزار بوده‌اید پس نعمت افزون می‌گردد.
۱۱. پیامبر (ص): هیچ چیز نزد من محبوب تر از شکر خدای متعال نیست لذا آن را تحسین برانگیز می‌دانم، پس گفت الحمد لله.
۱۲. همانا حمد برای خدا به آن گفته می‌شود که در موضع شکر و سپاسگزاری باشد و همانا شکر قرار می‌گیرد در جایگاه حمد.
۱۳. اگر شکر و حمد یکی نباشد سزاوار نمی‌شد که گفته شود حمد و شکر مخصوص خداست.
۱۴. گوینده سخن الحمد لله از مصدر آشکر یعنی سپاسگزاری.
۱۵. شکر اگر به معنای ستایش نباشد خطاست؛ خطاست که از مصدر حمد در معنای واقعی غیر از آن صادر شود.

حمد! جز تو ندانی که سزاوار چه‌ای از حمد! آنچه تو مستحقّ آنی تو دانی، ما ندانیم.

۲۰- «شکر»، اعتراف باشد به نعمت منعم با ضربی تعظیم او و اعتراف از دو گونه باشد: یکی به دل و یکی به زبان. اعتراف به دل، آن باشد که بداند که آن نعمت که بدو می‌رسد از جهت منعم است، سواء اگر به واسطه باشد و اگر بی واسطه. و اما اعتراف دهنده به زبان، افصاح می‌کند و تصریح به حمد و شکر خدای تعالی، و حکایت نعمت خدای تعالی باز می‌گوید.

ث: تفسیر کشف الاسرار

تفسیری از کلمه حمد ندارد.

ج: تفسیر جوامع الجامع

تفسیری از کلمه حمد ندارد.

چ: تفسیر خلاصه منهج الصادقین: مسمی به خلاصه المنهج

- ۱- الْحَمْدُ لِلَّهِ یعنی ماهیت و حقیقت ثنا و یا هر ستایش جمیل و وصف جلیل که از اول تا آخر بوده و هست و خواهد بود.
- ۲- سعید بن قماط از فضل روایت کرده که گفت ابی عبد الله علیه السلام را گفتم که دعائی که مشتمل بر جمیع مقاصد دارین باشد به من تعلیم فرمای فرمود که حق تعالی را به لفظ الحمد ستایش کن.
- ۳- پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر کلامی که او مصدر به (الحمد لله) نباشد مقطوع شود و به آخر نرسد.
- ۴- از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم مرویست سبحان الله نصف ترازو است و الحمد لله همه آن یعنی ثواب الحمد لله دو برابر سبحان الله است.
- ۵- که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که چون شب بنده مؤمن بگوید الحمد لله کما هو اهله و مستحقه، فرشتگان از نوشتن ثواب آن عاجز شوند از جانب الهی خطاب بفرشتگان آید که چرا این کلمه که بنده من بر زبان راند در نامه عمل او ثبت نکردید گویند خداوند ما چه دانیم که ثواب گفتن این کلمه که متضمن استحقاق و اهلیه حمد تست بچه مرتبه است تا بنویسیم! حق تعالی امر فرماید که شما این کلمه را ثبت کنید که بر من لازم است که ثواب حمدی که سزاوار من باشد به او کرامت کنم.
- ۶- از امام جعفر صادق علیه السلام روایتست هر گاه حق سبحانه نعمتی به بنده خود عطا کند و او در مقابل آن الحمد لله بگوید به فرشتگان خطاب کند که نظر کنید بر بنده من که او را چیزی حقیر عطا کرده‌ام و او در برابر آن کلمه‌ای بر زبان رانده که شامل همه حمدها و مقابل همه نعمتهای غیر متناهیست پس بر من لازم است که در آخرت نعمت غیر متناهی به او دهم.

۷- برخی محققان بین حمد و شکر تفاوت قائلند: «حمد»، ثنای مرد باشد به آن خصال که در او باشد.

۸- «حمد»، عامتر باشد از برای آن که «حمد» در جای شکر به کار دارند، و شکر در جای حمد به کار ندارند.

۹- «حمد»، بر خصال او باشد، و اگر چه به تو تعدی نکند، و شکر بر نعمتی باشد که از او به تو رسد.

۱۰- بعضی گفتند: الحمد باللّسان، حمد به زبان باشد.

۱۱- گفته‌اند: حمد، مبتدا باشد، و شکر جز جزا نباشد.

۱۲- عبدالله بن عمر روایت کند که، رسول- صلی الله علیه و آله و سلم- گفت: حمد سر شکر است، شکر نکرده باشد خدای را بنده‌ای که حمد خدای تعالی نکند. و این خبر مبنی است از آن که «حمد» عامتر از شکر باشد.

۱۳- از جمله کلمات ثنای خدای تعالی، یکی این کلمه «الحمد» است، چه در او قید نعمت حاصل است و صید نعمت نا آمده.

۱۴- محمد بن الکعب القرظی گفت: نوح- علیه السلام- چون طعام بخوردی، گفتی: «الحمد لله»، و چون جامه پوشیدی، گفتی: «الحمد لله» و چون بر نشستی گفتی: «الحمد لله». خدای تعالی نام او در جمله شاکران بنوشت، گفت: إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا.

۱۵- رسول- صلی الله علیه و آله و سلم- چون کاری بدو رسیدی که بدان شاد شدی، گفتی: الحمد لله بنعمته تتمّ الصّالحات، و چون کاری به او رسیدی که او را خوش نیامدی، گفتی: الحمد لله علی کلّ حال، و در خبر است که: چون آب باز خوردی گفتی: الحمد لله الّذی جعله عذبا فراتا [برحمته] و لم يجعله ملحا اجاجا بذنوبنا، گفتی: سپاس آن خدای را که این آب را خوش کرد به رحمت او، و شور و تلخ نکرد به گناه ما.

۱۶- در خبر است که: چون رسول- علیه الصّلاة و السلام- کسی را از اصحاب بلا بدیدی، گفتی: الحمد لله الّذی عافانی ممّا ابتلاه و فضّلنی علی کثیر ممّن خلق تفضیلا، و گفتی: هر کس که در چنین حال این کلمات بگوید، شکر عافیت گزارده باشد.

۱۷- امام صادق- علیه السلام- می‌گوید که: رسول علیه الصّلاة و السلام- چون در آینه نگردیدی، گفتی: الحمد لله الّذی أحسن خلقی و خلقی وزان منّی ما شان من غیری.

۱۸- بعضی اهل علم گفتند: «حمد» کلمتی است جامع حمد و شکر را، و از این جاست که رسول- صلی الله علیه و آله و سلم- گفت: سبحان الله نصف المیزان، و الحمد لله ملاء المیزان، گفت: «سبحان الله» نیمه ترازو باشد، و «الحمد لله»، همه ترازو باشد، برای آن که حمد جامع است هر دو طرف را.

۱۹- در خبر است که رسول- صلی الله علیه و آله و سلم- گفت: چون بنده بگوید: الحمد لله کما هو اهله، فرشتگان از نوشتن باز ایستند، حق تعالی گوید: [ملائکتی] فرشتگان من! چرا این که بنده من بگفت، بر او نوشتید؟ گویند: بار خدا! ما آن توانیم نوشتن که دانیم. ما چه دانیم که تو از اهل چه ای از

- ۱۷- بعضی برآنند که حمد نهایت مراد و غایت مرام حامد است.
 ۱۸- حمد بعد از معرفت منعم باشد.
 ۱۹- اکابر گفته‌اند نعمت نیکوست اما رؤیت منعم از آن نیکوتر، بلکه هر دوی همت که به نعمت از منعم غافل گردد.
 ۲۰- بصایر، حمد را به معنی امر می‌دارد. به حقیقت همه فرمانها او راست که مالک و ملک اشیاست.
 ۲۱- در تفسیر تیسیر آورده که حمد را به چهار معنی ذکر کنند: ثنا بر افعال حسنه، شکر، رضا، مدح

- ۷- ابو مسعود از ابی عبدالله روایت کرده که هر که در وقت صبح چهار بار بگوید «الحمد لله رب العالمین» وی از عهده شکر نعمت آن روز بیرون آمده باشد و هر گاه در شب بگوید شکر نعمت آن شب ادا کرده و آورده‌اند که نوح علیه السلام چون از طعام خوردن فارغ شدی گفتی الحمد لله و چون آب نوشیدی گفتی الحمد لله و چون سوار شدی گفتی الحمد لله. به جهت این، حق سبحانه و تعالی در حق او گفت «إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا».

ح: تفسیر جواهر التفسیر

- ۱- بیان بخششها و نعمتهای الهی که در کتاب حضرت شیث قید شده است
 ۲- گنج نعمت است.
 ۳- نمودار لعل است. لعل دل را تقویت کند.
 ۴- شکر الهی نیز شاکران را به مزید نعمت تربیت فرماید.
 ۵- جسمش را می‌گوید که تربیت و تقویت از من دان که پرورنده‌ام.
 ۶- دلش را می‌فرماید که مدد رحمت از فضل من شناس، که بخشاینده‌ام.
 ۷- الْحَمْدُ؛ هر حمد و آفرینی که از ازل تا ابد موجود و معلوم بود و هست و خواهد بود، جمله آن به تمام و کمال.
 ۸- وصل؛ حمد، ثنا باشد بر جمیل اختیاری از نعمت و غیر آن، و مدح، ثنا بود بر جمیل مطلق.
 ۹- ابن فناری حمد را ثنا بر جمیل مطلق داند.
 ۱۰- حمد و مدح در لفظ و معنی به هم قریب‌اند، و ما حصل هر دو ثنا به جمیل و وصف حسن است.
 ۱۱- حمد بر افعال حسنه اختیاریه است.
 ۱۲- حمد مأثور به است حکم حدیث «من لم یحمد الناس لم یحمد الله».

- ۱۳- مورد حمد زبان است، و ذکر نعمت و ثنای ولی نعمت به زبان لایح‌تر بود از اعتقاد و عمل جوارح و بر مکان نعمت و مکانت منعم دلیلی واضح‌تر؛ جهت آنکه عمل قلب مخفی است و کس را بر آن اطلاع نه، و اعمال جوارح محتمل غیر تعظیم نیز هست.

- ۱۴- بعضی از اهل کشف گفته‌اند که مادر «الحمد لله» سرّی مشاهده کنیم که در «المدح لله» و «الشکر لله» نیست؛ و به زبان، تقریر آن نمی‌توانیم کرد.

- ۱۵- علمای لغت برآنند که اشتقاق حمد از «حمده» است، و «حمده» آوازی باشد که از زبانه آتش بیرون آید؛ پس چون آتش محبت الهی بعد از مشاهده انوار نعمای نامتناهی در دل بنده مؤمن زبانه زدن گیرد، صوت آن بر زبان به صورت ثنا ظاهر گردد؛ و آن را حمد گویند، تشبیها بالحمده.

- ۱۶- در عین المعانی آورده که حمد را از «حمادی» گرفته‌اند که به معنی عاقبت است.

خ: تفسیر الاتقان فی علوم القرآن

- ۱- (الْحَمْدُ لِلَّهِ): گفت: [یعنی] الشکر لله.
 ۲- زملکانی در اسرار التنزیل گفته: حصر را می‌رساند
 د: تفسیر نور الثقلین

- ۱- امام حسین(ع): هر کس به او خیری رسد بگوید الحمد لله رب العالمین .
 ۲- امام حسین(ع): هر کس صبح چهار مرتبه و شب هم چهار مرتبه الحمد لله رب العالمین بگوید همانا حق شکرگزاری را به جا آورد.
 ۳- حضرت علی(ع): هر کس عطسه کند و سپس الحمد لله رب العالمین بگوید، هیچ رنج گوش و دندان نخواهد داشت.
 ۴- ابو عبدالله: هر کس عطسه کند و دست به تیغه بینی بگذارد الحمد لله رب العالمین بگوید پرنده خارج شود و تا قیامت برایش استغفار کند.
 ۵- حضرت علی(ع): معنی الحمد لله رب العالمین. الحمد لله یعنی از بعضی از بندگان می‌شناساند برخی از نعمت‌ها را جملگی اگر نمی‌توانند که بشناسند، همه نعمتها را به تفضیل بشناسند.
 ۶- حضرت علی(ع): خدای را سپاس بگویند بر آنچه که به ما نعمت داده است.
 ۷- ما را مکلف به ستایش خود و ثنا گفتن برخود کرد برای ما راهی به سویش به جز به واسطه خودش نیست.
 ۸- بعضی از مردم معنا می‌کنند که بگویند الحمد لله تکلیف است بر دوش ما.
 ۹- همانا مدح و ستایش نفس به آن نهی شده است.
 ۱۰- پیامبر (ص): درود خدا بر کسی که هر صبح ۳۶۰ مرتبه الحمد لله رب العالمین بگوید.

ذ: تفسیر جامع

تفسیری از کلمه حمد ندارد.

ر: تفسیر مناهل العرفان

- ۱- ربوبیت خدا بر همه عوالم
 ۲- رحمت گسترده او که آثارش در همه جا آشکار است.
 ۳- اتصاف دایم خداوند به رحمتش.
 ۴- اختیار و حق تصرف مطلق خداوند در پاداش عادلانه در روز جزا.

ز: تفسیر المیزان

- ۱۰- انسان در برابر جمال و کمال و زیبایی، زبان به ستایش و در برابر نعمت و خدمت واحسان دیگران، زبان به تشکر می‌گشاید.
- ۱۱- خداوند متعال به خاطر کمال و جلالش، شایسته‌ی ستایش و به خاطر احسان‌ها و نعمت‌هایش، لایق شکرگزاری است.
- ۱۲- «الحمد لله»، بهترین نوع تشکر از خداوند است. هر کس در هر جا، با هر زبانی، هرگونه ستایشی از هر کمال و زیبایی دارد، در حقیقت سرچشمه‌ی آن را ستایش می‌کند.
- ۱۳- همه ستایش‌ها برای اوست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»
- ۱۴- خداوند در تربیت و رشد هستی اجباری ندارد. زیرا حمد برای کارهای غیر اجباری است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»
- ۱۵- همه هستی زیباست و تدبیر همه هستی نیکوست. زیرا حمد برای زیبایی و نیکویی است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ»
- ۱۶- دلیل ستایش ما، پروردگاری اوست. «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
- ۱۷- الف و لام در «الْحَمْدُ» به معنای تمام حمد و جنس ستایش است.
- ۱۸- مؤمنان در آغاز کتاب (قرآن) با نیایش به درگاه خداوند متعال، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می‌گویند و در پایان کار در بهشت نیز، همان شعار را می‌دهند که «آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمين»
- ۱۹- ابتدا ستایش، آنگاه استمداد و دعا. «الْحَمْدُ لِلَّهِ... اهدنا»
- ۲۰- شکر زبانی، نظیر گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ».

- ۲۱- شکر عملی که با انجام عبادات و صرف کردن عمر و اموال در مسیر رضای خدا و خدمت به مردم به دست می‌آید.
- ۲۲- امام صادق علیه السلام فرمود: شکر نعمت، دوری از گناه است.
- ۲۳- نیز فرمود: شکر آن است که انسان نعمت را از خدا بداند (نه از زیرکی و علم و عقل و تلاش خود یا دیگران) و به آنچه خدا به او داده راضی باشد و نعمت‌های الهی را وسیله‌ی گناه قرار ندهد، شکر واقعی آن است که انسان نعمت خدا را در مسیر خدا قرار دهد.
- ۲۴- در حدیث می‌خوانیم که خداوند به موسی وحی کرد: حق شکر مرا بجا آور. موسی گفت: این کار امکان ندارد، زیرا هر کلمه‌ی شکر نیز شکر دیگری لازم دارد. وحی آمد: همین اقرار تو و این که می‌دانی هر چه هست از من است، بهترین شکر من است.
- ۲۵- به گفته‌ی روایات، کسی که از مردم تشکر نکند از خدا نیز تشکر نکرده است.

س: تفسیر راهنما

- ۱- همه ستایشها از آن خداوند است.
- ۲- لزوم آغاز کردن کارها با حمد و ستایش خداوند.
- ۳- خداوند، سرچشمه و مبدأ همه کمالها و زیباییهاست.
- ۴- تنها خداوند، شایسته و بایسته ستایش است.
- ۵- در صحت اطلاق حمد، علاوه بر زیبایی فعل و صفت، اختیاری بودن فعل و صفت نیز قید شده است؛ یعنی، بر فعل و صفتی

- ۱- معنای ثنا و ستایش در برابر عمل جمیلی است که ثنا شونده به اختیار خود انجام داده.
- ۲- حرف (الف و لام) که در اول این کلمه آمده استغراق و عمومیت را می‌رساند، و ممکن است (لام) جنس باشد، و هر کدام باشد مالش یکی است.
- ۳- حمد توصیف است، و خدای سبحان خود را از توصیف واصفان از بندگانش منزله دانسته.
- ۴- استشهاد بر اینکه جنس حمد و همه حمد از آن خدا است.
- ۵- بیان اینکه خدا از حمد حامدان منزله است.
- ۶- ادب عبودیت را می‌آموزد. (تعلیم می‌دهد که بنده او لایق آن نبود که او را حمد گوید، و فعلا که می‌گوید، به تعلیم و اجازه خود او است، او دستور داده که بنده‌اش بگوید.)
- ۷- از آنجا که حمد، توصیف و ستودن خدای تعالی است، هر کسی نمی‌تواند خدای را توصیف کند، این کار تنها از بندگان مخلص خدای تعالی بر می‌آید، افراد انگشت‌شماری که خدای تعالی آنان را برای خود خالص نموده.
- ۸- «الْحَمْدُ لِلَّهِ» ثنایی است برای خدا بدان جهت که بندگی کردن برای او بهتر است از بندگی برای غیر او.
- ۹- کرامت قرب خود اختصاص داده و هیچ واسطه‌ای بین آنان و بین خدای تعالی نیست.

ژ: تفسیر نمونه

- ۱- الحمد لله العالمین یعنی بازگشت همه نعمتها و تربیت همه موجودات به خدا و ذات پاک خداوند است.
- ۲- هنگامی که بنده الحمد لله رب العالمین می‌گوید خداوند می‌گوید بنده مراحل ستایش را طی کرده و دانش نعمت‌هایش جانب من است و بلاها را من دور کردم.
- ۳- حمد خداوند همه این مواهب و نیکی‌ها را با اراده و اختیار خود ایجاد کرده است.
- ۴- حمد هم در آغاز و هم پایان کار است چنانکه قرآن تعلیم می‌دهد.
- ۵- بهشتیان آخرین سخنشان الحمد لله رب العالمین است. (یونس آیه ۱۰)
- ۶- در الحمد لله همه حمد و ستایش را مخصوص خدا می‌شماریم.
- ۷- همه ستایش‌ها مخصوص خداوند است چون که هر کمال و نعمتی و هر محبتی که در جهان وجود دارد مالک و صاحبش خداوند است.
- ۸- بنده گویی از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد و از این همه نعمت و توفیق و هدایاتی که خدا به او دارد تمام ذرات وجودش شکر است و فریاد الحمد لله می‌زند.
- ۹- مفهوم حمد، ترکیبی از مفهوم مدح و شکر است.

بحث و نتیجه‌گیری

اِثْمِ اَهْلِ بَيْتِ (ع) استفاده از تمام روش‌های صحیح تفسیری را به یاران خود آموزش داده‌اند. بنابراین روش اصلی تفسیری مورد تایید اهل بیت (ع) همان روش جامع تفسیری است. حتی در برخی از روایات امام معصوم (ع) در تفسیر یک آیه، از روش‌های تفسیری متعدد استفاده می‌فرماید. یادآوری این نکته نیز ضروری است که اهل بیت (ع) علاوه بر روش‌های تفسیری از دیگر قراین قابل استفاده مانند "سیاق آیه"، "ویژگی گوینده و مخاطب" و "مشخصات موضوع کلام" در تفسیر کلام استفاده کرده‌اند.

در این پژوهش واژه "حمد" و "الحمد لله" سوره فاتحه را در ۱۸ کتب تفسیری مختلف مورد بررسی قرار دادیم. تفاسیری از قرن ۳ تا ۱۵ (ق.ه) که باگرایش‌های شیعه و سنی تالیف و گردآوری شده است. هر مفسر با روش و شیوه‌ای متفاوت این تفاسیر را انجام دادند و هر کدام نکته و موضوع متفاوتی را بیان کرده‌اند. از جمع این تفاسیر ۱۴۴ نکته استخراج شد که ۴۷ نکته در برخی از تفاسیر تکرار شده بود که به تفصیل تمام نکات از جمله نکات تکراری موجود در تفاسیر مختلف را بیان کردیم. ما با بررسی جامع ۱۸ کتاب تفسیری در واژه «حمد» به ۹۷ نکته مختلف در مورد این واژه و همچنین واژه الحمد لله دست یافتیم که می‌تواند نگاه ما را به تمام ابعاد تفسیری این واژه بگشاید. وقتی ما ابعاد، جهات و روش‌ها و شیوه‌های مختلف تفسیری را درباره یک واژه یا یک آیه بررسی و جمع کنیم می‌توانیم به تمام جوانب معرفتی آن دست یابیم و این همان تفسیر جامع است؛ تفسیری که حق تفسیری آیات قرآن را می‌تواند ادا کند. در غیر این صورت ما همیشه بخشی از معارف الهی آیات را از دست خواهیم داد.

بنابراین باید از تمام منابع و روش‌های تفسیری در فهم قرآن کریم استفاده کرد و آیات را با نگاهی جامع و کلان نگریست؛ نگاه و تفسیری که حقیقت معرفتی و کاربردی آیات را برای ما به ارمغان بیاورد. قطعاً نمی‌توان مدعی شد با استفاده از تنها یک روش مانند روش قرآن به قرآن، تمام آیات قرآن را می‌توان فهمید. چراکه قرآن کلامی است از مخزن غیب که هر واژه اش، سرشار از معانی و مضامینی است که برای روشنایی و هدایت زندگی انسان‌ها نازل شده است و راه بهره‌مندی از آن، بررسی و پرداخت همه جانبه به آیات از تمامی روش‌ها و جهات است.

زیبا، می‌توان حمد کرد که فاعل، آن را از روی اختیار تحقق بخشیده باشد.

۶- از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» یعنی شکر مخصوص خداست.

ش: تفسیر مخزن‌العرفان در علوم قرآن

۱- به قاعده عربیت الف و لام الحمد اگر الف و لام عهد باشد اشاره به آن حمدی است که لایق قدس او و مخصوص به وی است و آن حمد و ثنائی است که ذات احدی خود را به آن توصیف نموده و آن حمد پیمبران و اولیای الهی است که مخصوص به وی است.

۲- به قاعده عربیت الف و لام الحمد اگر الف و لام استغراق باشد اعتراف به این است که تمام مراتب و درجات کمال و بزرگواری و ثناء و ستایش از هر ستایش‌کننده‌ای که سرزند مخصوص به آن فرد ازلی و آن موجود سرمدی است.

۳- فرق است بین حمد و مدح که حمد ستایش و ثناء بر فعل جمیل و نیکویی است که از روی اراده و اختیار صادر گشته.

۴- هر شکر حمد هست لکن هر حمدی شکر نیست.

۵- عرفا: حمد اظهار کمال محمود است.

۶- حمد اظهار و اعتراف به اوصاف جمال و جلال و کمال وی است

۷- حمد تخلیه ذات مقدس الهی است به تمام اسماء الحسنی و نعوت ذو الجلال.

۸- بایستی دل و زبان و تمامی اعضاء تو شکر گزار باشد و از آنچه به تو کرامت شده و موفقیت پیدا نموده‌ای از مال و دانش و قوی و منصب و مقام در راه حق تعالی انفاق نمایی و دیگران را از آن بهره‌مند گردانی.

۹- قیصری گفته حمد قول من و فعل من و حال من است، زبان من ترجمان حمدی است که به زبان پیمبران خود را ستوده، و به اعضاء و جوارح خود او را حمد می‌نمایم، به اینکه در خدمت و عبادت و آنچه امر فرموده آن را وادار می‌نمایم برای اجراء اوامر و توجه بوجهه الکریم.

۱۰- اقرار و اعتراف باین است که حمد و ستایش مخصوص بذات احدیت است.

ص: تفسیر نور ملکوت القرآن

تفسیری از کلمه حمد ندارد.

References

1. Khorramshahi B, Quran P. Tehran: Scientific and Cultural Publications Company; 2010. Persian.
2. Ghazipour S. Reflection on Surah Hamd and Comprehensive Thematic Interpretation of the

Quran. 1st ed. Arna: Arna Publications; 2020. (Persian).

3. Razi A, Yahaghi MJ, Nasih MH. Rawd al-Jinan and Ruh al-Janah in Quran Interpretation. Qom: Astan Quds Razavi; 1997. (Persian).

4. Amin NB. Tafsir Makarim al-Irfan fi Ulum al-Quran. 1st ed. Qom: Saqi Publications; 1974. Persian.

2nd ed. Islamic Propagation Office of Qom Seminary; 2004. (Persian).

5. Borujerdi MI. Comprehensive Interpretation. 6th ed. Sadra Publications; 1987. (Persian).
6. Tustari SA. Tafsir Tustari. 200-283 (Arabic).
7. Hosseini Tehrani MH. Nur al-Molk Quran. 3rd ed. Nur al-Molk Quran Publications; 2000. (Persian).
8. Hawezi AA. Tafsir Nur al-Thaqalayn. 4th ed. 1996. (Persian).
9. Zarghani MA, Armin M. Translation of Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran. 1st ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies; 2006. (Persian).
10. Zamakhshari J, Ansari M. Tafsir Kashaf. 1st ed. Tehran: Nashr-e Markaz; 2010. (Persian).
11. Suyuti A, Dashti M. Translation of Al-Itqan fi Ulum al-Quran. 1st ed. Institute of Islamic Studies; 2005. (Persian).
12. Shawkani M. Tafsir Fath al-Qadir. 3rd ed. Ibn Kathir Publications; 1993. (Arabic).
13. Tabatabai MH. Tafsir al-Mizan. 1st ed. 1996. (Persian).
14. Tabarsi AF. Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran. 1156 (Arabic).
15. Tusi MB. Tafsir al-Tibyan. 10 vols. Dar Ihya al-Turath al-Arabi; 1990. (Arabic).
16. Fakhr Razi M. Mafatih al-Ghayb. 3rd ed. Dar Ihya al-Turath al-Arabi; 1992. (Arabic).
17. Qaraati M. Tafsir Nur. Cultural Center for Quranic Lessons; 1995. (Persian).
18. Ibn Kathir I. Tafsir al-Quran al-Azim. 1st ed. 1998. (Arabic).
19. Kashani F. Manhaj al-Sadiqin fi al-Zam al-Mukhalifin. 1st ed. Islamic Publications; 1957. (Persian).
20. Kashfi H. Jawahir al-Tafsir. 1st ed. Miras-e Maktoob Publications; 2000. (Persian).
21. Makarem Shirazi N. Tafsir-e Namuneh. Dar al-Kotob al-Islamiyah; 2008. (Persian).
22. Maybodi RA. Kashf al-Asrar wa Uddat al-Abrar. 5th ed. Amir Kabir Publications; 1992. (Persian).
23. Nilsaz N, Dehghan A. Etymology of the Quranic Word "Hamd" Using Sources from Semitic Languages. J Quran Hadith Res. 2017;10(1):179-198. (Persian).
24. Alusi MA. Ruh al-Maani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab al-Mathani. 1st ed. Dar al-Kutub al-Ilmiyah; 1998. (Arabic).
25. Hashi Rafsanjani A. Tafsir Rahnama: A New Approach to Presenting Quranic Concepts.